

آشوب در کنگره و دستاورد احتمالی آن برای دموکراسی آمریکا

حبیب حسینی فرد

آشوبی که در کنگره آمریکا به راه افتاد پیش‌زمینه‌هایی گسترده دارد. کارنامه دولت ترامپ اما به رغم این آشوب شاید که با یک دستاورد ناخواسته برای دموکراسی آمریکا همراه شود. شکاف در جامعه آمریکا اما کار بایدن را آسانتر نمی‌کند.



در هفته‌های منتهی به روز ۶ ژانویه (۱۷ دی) هم انتظار می‌رفت که با تحرکات و تحریکات ترامپ و ابواب جمعی او جلسه کنگره برای تایید انتخاب بایدن به عنوان رئیس‌جمهور به آشوب و هرج و مرج کشیده شود و هم، به رغم این آشوب‌ها، انتخاب نهایتاً تایید شود و ما در ۲۴ ساعت گذشته شاهد هر دو رویداد بوده‌ایم.

منتهی آنچه که در چهار سال اخیر گذشت و به خصوص اوج آن؛ محاصره توام با خشونت کنگره در روز ۶ ژانویه را رشته سرخی به هم پیوند می‌دهد و آشوب دیروز هم بازتاب و لو تند و تیز شقاقی است که در جامعه آمریکا شکل گرفته است. البته تلاش برای محاصره و حمله به کنگره صرفاً به واشینگتن محدود نبوده و دستکم در ده ایالت دیگر نیز تلاش‌های مشابهی صورت گرفته است.

میت رامنی، سناتور جمهوریخواه که از ابتدا مخالف ترامپ بود در جلسه پس از آشوب در کنگره، سخنی گفت که جز واقعیت نبود: «اتفاق دیروز حاصل جریحه‌دار شدن غرور مردی خودمحور و خودبین بود که دو ماه آنگار هوادارانش را عامدانه با اطلاعات نادرست اغوا کرد و شورشی که به راه افتاد سلسله‌جانبانش» کسی نبود، جز رئیس جمهور آمریکا

این سخن ولی با محدود کردن ماجرا به دو ماه اخیر پس‌زمینه‌های شکافی که در جامعه آمریکا وجود داشته و روی کار آمدن ترامپ هم حاصل آن بوده را در سایه قرار می‌دهد، از تأثیرات روندهای جهانی‌شدن در ۴۰ سال اخیر که خود آمریکا سلسله‌جانبان آن بوده و مولفه‌های متفاوت آن که حالا بخشی از جمعیت عمدتاً سفیدپوست کشور به لحاظ اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی منافع (انحصاری و محوری) خود را از آنها در خطر می‌بیند، تا بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸ که هنوز بخشی از جامعه آمریکا زیر تأثیرات منفی آن است، تا رشد و گسترش شبکه‌های اجتماعی که به تیغ دولبه‌ای بدل شده و به سهم خود در ایجاد بلندگو برای پوپولیست‌هایی که برای مشکلات پیچیده راه‌حل‌های آسان از آستین بیرون می‌آورند و برای پخش سریع‌تر و گسترده‌تر پیام آنها و نیز، بازتولید تصویر و تصورها و توهم‌ها و انزواهای خودخواسته بخش‌های مختلف ... جامعه و عدم دیالوگ میان آنها محمل فراهم می‌کنند، تا

سه هفته پیش موسسه تحقیقاتی پیو نتایج یک نظرسنجی را منتشر کرد که بر اساس آن همچنان ۷۰ درصد رای‌دهندگان به جمهوریخواهان نتیجه انتخابات را مخدوش می‌دانند و مدعای ترامپ را باور دارند. به عبارتی شکاف گسترده در جامعه آمریکا که ۷۳ میلیون رای ترامپ در برابر ۷۸ میلیون رای بایدن نشانه آن است همچنان سایه سنگینش را بر عرصه سیاسی آمریکا باقی خواهد گذاشت و علیرغم تسلط کامل دمکرات‌ها بر هر دو نهاد از سه نهاد اصلی قدرت، باز هم مشکلات انباشته‌شده و شکاف‌های درون این جامعه که بعضاً دیالوگ دو طرف را هم با مشکل روبرو کرده به عنوان معضلی بزرگ باقی خواهد ماند. بلومبرگ سه روز پیش نتیجه تحقیقات موسسه موسوم به یوروایشیا گروپ را منتشر کرده که کارش مطالعه ریسک‌های ژئوپلیتیک است و این تحقیق هم از جمله به ریسک‌ها و تهدیداتی پرداخته که جهان در سال ۲۰۲۱ احتمالاً با آنها روبرو خواهد شد. در راس این تهدیدات نه شیوع کرونا و بیماری کووید ۱۹ و نه مثلاً تعارض میان آمریکا و چین، بلکه شکاف در درون جامعه آمریکا قرار گرفته است.

دستاوردی برای دمکراسی آمریکا؟

نویسندگان تحقیق نتیجه گرفته‌اند که «قدرت برتری در جهان که در درون با شکاف و دو دستگی اساسی روبرو باشد برای ایفای نقش در گسترده بین‌المللی به سبک و روال معمول هم، با مشکل روبرو خواهد بود» و صد البته سبک و سلوک بازنده بدی مثل ترامپ هم در تشدید این شکاف نقش بازی خواهد کرد. این که بحران سیاسی درون آمریکا بر بازیگری و سیر و سلوک این کشور در گستره بین‌المللی تأثیر مثبتی بگذارد احتمالاً در سطح بین‌المللی هم با استقبال روبرو خواهد شد، ولی ضعف یا اعوجاج و هرج و مرج در بازی بین‌المللی عمده‌ترین قدرت جهان چیزی نیست که احتمالاً کسی در جهان از آن سود ببرد.

تا آنجا که به کارنامه دولت ترامپ برمی‌گردد، بعید نیست که "دستاور" بزرگ او در شکستن حرمت و اعتبار کاپیتول خلاصه نشود و پیامدهای شکست در انتخابات و نوع رویکرد در قبال آن که در درون خود حزب جمهوریخواه هم شکاف بی‌سابقه‌ای را دامن زده نهایتاً به انشعاب در این حزب و شکل‌گیری دو یا سه و حزب *make america great again* جریان جدا منجر شود، مثلاً حزب ترامپ یا همفکران او با نام ... "معتدل‌ترهای" درون جمهوریخواهان و

به این ترتیب شاید بدون آن که قصد ترامپ بوده باشد، این انشعاب به "دستاوردی" واقعی بدل شود و یکی از معایب دموکراسی آمریکا، یعنی این واقعیت که منافع و گرایش‌های متفاوت و متنوع در درون جامعه دیگر در غالب تنها دو حزب قابل نمایندگی نیستند به طور نسبی هم که شده برطرف شود و از این جهت تجربه غنی‌تر دموکراسی‌های اروپایی و تنوع حزبی آنها به بارورتر شدن دموکراسی آمریکا هم کمک کند. این البته یک موضوع اصلی‌تر را منتفی نمی‌کند و آن این که کل دموکراسی در مشخصه‌ها و مختصات کلی می‌شناسیم در کلیت جهان غرب با بحران روبروست و نیاز به بازاندیشی و ترمیم و توسعه دارد. از این رو کم نبوده‌اند ندهایی در این چند ساعت اخیر در اروپا که نسبت به این که "اتفاق در خانه همسایه ربطی به من ندارد" و نسبت به توهم در امان ماندن از برآمدن امثال ترامپ‌ها و بروز شکاف‌هایی گسترده و نهایتاً آسیب‌هایی مشابه آنچه که در کاپیتول اتفاق افتاد، زنهار داده‌اند.

هر چه که هست اشغال بی‌سابقه کنگره نه پایان که احتمالاً "فراز" تازه‌ای در شکاف در درون جامعه نزدیک) *Newsmax* آمریکاست، ولو که در شکل و اشکال دیگری ادامه یابد. رسانه‌هایی مانند نیوزمکس که *One America Network* که کل ماجرای دیروز را به چپ‌های افراطی نسبت داد (به ترامپ بیش از آشوب در کنگره از بابت بسته‌شدن حساب‌های کاربری ترامپ دلخور است نشانه‌های حی و حاضر بودن گرایش و ذهنیت بخشی از جامعه آمریکا هستند که همچنان به ترامپ و ترامپ‌ها وفادارند. برای بایدن به رغم کسب اکثریت در سنا از سوی دمکرات‌ها هم، کار لزوماً آسان‌تر نخواهد بود، چرا که اگر بخواهد به مطالبات بخش چپ حزب دمکرات که در پیروزی‌های اخیر نقشی عمده داشته‌اند، توجه نشان دهد معلوم نیست که یافتن زمینه‌ها و زبان مشترک با محافظه‌کاران جمهوریخواه آماده گفت‌وگو را به این یا آن مقدار از دست ندهد و گذار از بحران کنونی دشوارتر نشود. این هم هست که دو سال دیگر دوباره انتخابات کنگره است و کارت‌ها دوباره بُر می‌خورند و اکثریت کنونی دمکرات‌ها هم شاید ادامه نیابد. آمریکا همچنان روزهای دشواری در پیش رو دارد.

منبع دویچه وله